





## گزارش نشست‌های مجمع ارامنه تهران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: لئون  
آهارونیان

دبیر تحریریه: روبرت صافاریان  
شورای نویسندگان:

کارمن آذریان، لیا خاچکیان  
آندرانیک خچومیان،  
گارون سرکیسیان،  
آندرانیک سیمونیان

مدیر هنری: لیا خاچکیان

ویراستار بخش فارسی: نسیم نجفی

وب سایت: کاجیک صافاریان

ورزش: آرمان استپانیان

اشتراک: کاترین یعقوبی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین  
ولی عصر و فلسطین، شماره ۱۰۴۸

تلفن: ۶۶۴۹۵۱۸۰  
۶۶۴۹۲۶۹۳

تله-فاکس: ۶۶۴۹۵۲۰۸

نشانی وب سایت: [www.hooys.com](http://www.hooys.com)

وب سایت فارسی:

<http://farsi.hooys.com>

پست الکترونیکی:

[hooys@inbox.com](mailto:hooys@inbox.com)

## در این شماره

- |    |   |
|----|---|
| ۲  | در صفحات ارمنی این شماره                                  |
| ۳  | به یاد کارو لوکاس   |
|    | آلیس در استپانیان   |
| ۴  | گفت و گوی سرژ سرکیسیان با ماهنامه اوکراینی پروفیل         |
| ۶  | مجادله شرق و آلیک درباره سفر جهانگردان ایرانی به ارمنستان |
|    | روبرت صافاریان  |
| ۷  | کمک بی‌وقفه ایرانیان به گردشگری ارمنستان                  |
|    | مریم بابایی   |
| ۱۰ | قالیچه ارمنی در کاخ سفید                                  |
|    | تام وارتابدیان  |
| ۱۲ | فرهنگ مشترک اقوام آسیایی: جشن ناواسارد                    |
|    | آندرانیک هوویان   |
| ۱۳ | نمایش دو متر در دو متر جنگ در ایروان                      |
|    | مجید عاشقی  |

## بخش ارمنی

- |   |   |
|---|---|
| ۲ | اخبار جامعه ارامنه ایران  |
| ۳ | محکومیت قرآن سوزی توسط ارامنه ایران                             |
| ۴ | نظامی برای تبادل ورزشکار بین باشگاه‌های ورزشی ارامنه وجود ندارد |
|   | کارمن آذریان  |
| ۶ | مراسم در کلیسای آختامار بدون صلیب و در محیطی متشنج              |
|   | گایانه مگردچیان   |

## گزارش نشست‌های مجمع ارامنه تهران

گزارش یک‌ساله شورای خلیفه‌گری  
تصویب بودجه شش ماهه دوم آن

- |    |  |
|----|--|
| ۱۲ | زندگی هدیه‌ای است                                  |
| ۱۴ | پدر مطبوعات ارمنی: هاروتیون شماونیان               |
|    | پدر روحانی خورن هوهانسیان                          |
| ۱۶ | مصاحبه با مدیر موزه ویکتور هامبارتسومیان           |
| ۱۹ | دنیای عکاسی استیو مک‌کاری                          |
| ۲۲ | ۴۲- مین دوره بازی‌های ورزشی ارامنه ایران برگزار شد |
|    | آرمان استپانیان                                    |



### نشست‌های مجمع نمایندگان تهران: گزارش یک‌ساله شورای خلیفه‌گری و تصویب بودجه شش‌ماهه دوم آن

مجمع نمایندگان ارمنه تهران، که در حکم نوعی پارلمان کوچک برای اداره امور داخلی ارمنه کشور است، روزهای ۲۴ و ۳۱ شهریور دو نشست برگزار کرد.

در نشست نخست، نمایندگان ارمنه تهران به گزارش عملکرد یک‌ساله شورای خلیفه‌گری که ارگان اجرایی منتخب مجمع و در حکم دولت جامعه ارمنه است، گوش فرا دادند و پرسش‌های خود را درباره ابهامات آن مطرح کردند. فصلی از گزارش که بیش از همه بحث‌برانگیز شد، بخش مربوط به مسائل مدارس ارمنه بود. گزارش یک‌ساله شورای خلیفه‌گری ارمنه تهران حاوی اطلاعاتی جالب درباره وضعیت جامعه کوچک ماست. برای نمونه، برابر این گزارش در سال گذشته ۱۸ مدرسه ارمنی‌زبان در تهران دایر بوده است (مدرسه ارمنی‌زبان به این معنا نیست که تمام دروس به زبان ارمنی تدریس می‌شوند. در این مدارس عین کتاب‌های درسی مدارس دیگر به زبان فارسی تدریس می‌شود، به اضافه هفته‌ای چند ساعت زبان و ادبیات ارمنی. در ضمن همه دانش‌آموزان ارمنی هستند). تعداد دانش‌آموزان این مدارس در سال تحصیلی گذشته ۳۴۹۵ نفر

بوده است. ۷۲ معلم ارمنی در این مدارس تدریس می‌کرده‌اند که تنها تعدادی از آن‌ها معلمان رسمی آموزش و پرورش و حقوق‌بگیر دولت بوده‌اند. شهریه‌ای که از دانش‌آموزان این مدارس گرفته می‌شود تنها برای پنجاه درصد هزینه‌ها کفاف می‌دهد. باقی هزینه‌ها را شورای خلیفه‌گری تأمین می‌کند. در زمینه وضعیت اجتماعی ارمنه، دارایی‌های خلیفه‌گری، کارهای ساختمانی در دست اجرا، و غیره وجود دارد. عجیب است که شورای خلیفه‌گری این گزارش و گزارش‌های شوراهایی را که در حوزه‌های خاص مانند آموزش و پرورش، امور قضایی، امور ساخت و ساز و غیره تحت نظارت آن‌ها کار می‌کنند، سند محرمانه تلقی می‌کند و از انتشار آن‌ها اکراه دارد، در حالی که این گزارش‌ها حاوی پاسخ به بسیاری از پرسش‌ها و شبهاتی هستند که در افواه است. برابر گزارش یک‌ساله شورای خلیفه‌گری در سال گذشته تقاضای صدور گواهی‌نامه غسل تعمید که از سندهای لازم برای مهاجرت است کم شده و این نشانه آن است که احتمالاً از شتاب مهاجرت کاسته شده است. آیدا هوانسیان، دبیر شورای خلیفه‌گری، در پاسخ این سؤال یکی از نمایندگان که شورا برای پیشگیری از مهاجرت چه اقداماتی کرده است توضیح داد که چون عوامل مهاجرت از کنترل این شورا خارج است، جز تبلیغ غیرمستقیم

کاری زیادی از دست آن‌جا بر نمی‌آید. مجمع نمایندگان ارمنه تهران در نشست قبلی خود برای ادغام دو مدرسه روستوم و آراکس پیش‌شرط‌هایی گذاشته بود، از جمله این که رضایت اولیای دانش‌آموزان مدرسه روستوم جلب شود. شورای خلیفه‌گری با برگزاری جلسه‌ای که به قول خانم آوانسیان تعداد شرکت‌کنندگان در آن چندان زیاد نبودند، این شرط را برآورده فرض کرده، و ادغام دو مدرسه یادشده را عملی کرده بود. در این باره، هم در جامعه و هم از سوی نمایندگان پرسش‌ها و شک و شبهه‌هایی مطرح شد، اما ظاهراً کار از کار گذشته بود. گئورگ آبولیان، دبیر مجمع نمایندگان هم معتقد بود که این شک و شبهه‌ها موجه نیستند.

بیش‌تر وقت نشست دوم به بررسی بودجه شورای خلیفه‌گری برای شش‌ماهه دوم سال مالی جاری گذشت. شورای خلیفه‌گری مایل بود بحث بودجه در جلسه غیرعلنی (یعنی بدون حضور دو خبرنگار حاضر در جلسه) انجام شود، اما نمایندگان مجمع با این درخواست موافقت نکردند و جلسه با حضور نمایندگان مطبوعات ادامه یافت. در نشست دیگری که بودجه بررسی شده بود، نمایندگان تقاضا کرده بودند بودجه در قالب شفاف‌تری عرضه شود، به نحوی که هزینه‌ها به تفکیک برای هر بخش مشخص باشد. قرار بود کمیته اقتصادی مجمع با همفکری مسؤول مالی شورای خلیفه‌گری این قالب جدید را طراحی کنند. برای همین در آن نشست مجمع تنها بودجه شش ماه را تصویب کرده بود و بودجه شش ماه دوم را موکول کرده به ارائه آن در قالب جدید. همان طور که قابل پیش‌بینی بود، کار قالب جدید ارائه بودجه به جایی نرسیده بود و بعد از بحث‌هایی درباره ضرورت کار کارشناسی بیشتر و دفاع واهییک شاه‌نظریان از قالب فعلی، بودجه شش ماه دوم نیز در همان قالب قدیمی با افزودن ریز هزینه‌ها در چند مورد، به تصویب رسید.

### مدیر موزه ویکتور هامبارتسومیان در ایران

گئورگ بروتیان، مدیر موزه ویکتور هامبارتسومیان در رصدخانه بوراکان ارمنستان چند هفته در ایران بود. او در این مدت از شهرهای تهران، رشت



عنوان يك استاد جوان پرشور، دانا و فعال، سرشار از صداقت، صمیمیت، سراپا عشق و امید به دانش، به زندگی و به آینده.

بعدها فعالیت ایشان در رابطه با جامعه ارمنی در حیطه‌ای دیگر متجلی گشت؛ پس از استقلال ارمنستان دکتر لوکاس ضمن برقراری ارتباط با محافل آکادمیک ارمنستان نقشی مؤثر در ایجاد و توسعه روابط علمی- فرهنگی ایران و ارمنستان ایفا نمود. از جمله این فعالیت‌ها که به مدت ۱۵ سال ادامه یافت و همراه با برگزاری سمینارها و سخنرانی‌های متعدد در هر دو کشور بود، می‌توان به همکاری با مؤسس فعالیت‌های ICT و انستیتو زلزله نگاری ارمنستان اشاره نمود و نیز ارتباط با انستیتو فیریک ارمنستان که منجر به همکاری سه جانبه بین این انستیتو، دانشگاه تهران و دانشگاه «کالس روهه» آلمان شد.

دکتر کارو لوکاس معتقد بود که ایرانیان ارمنی می‌توانند يك رسالت مهم فرهنگی داشته باشند و آن شناساندن تاریخ و فرهنگ پر بار ایران به ارمنی‌زبانان در ارمنستان و جهان، و از سوی دیگر آشنا ساختن فارسی‌زبانان با تاریخ و فرهنگ ارمنیان است.

دکتر لوکاس يك دانشمند، معلم و محقق بود. سراسر عمر وی حتی در دوران سخت بیماری، آگاهانه وقف علم و تعلیم و تعلم شد. راه و هدف او تحقیق، یعنی جست‌وجوی حقیقت، شناختن و شناساندن حقایق بود. امید که جوانان ما راه رسالت علمی و فرهنگی ایشان را دنبال نمایند.

سروران گرامی، حضار محترم به عنوان یکی از دوستان مرحوم کارو لوکاس اجازه می‌خواهم شمه‌ای از فعالیت علمی فرهنگی ایشان در جامعه ارمنی را بازگو نمایم.

شاید بسیاری از هموطنان ندانند که دکتر لوکاس با زمینه فعالیت اساساً فنی مهندسی، در عین حال یکی از آگاهان صاحب نظر در تاریخ ارمنه و زبان ارمنی بود. در این خصوص به جاست سخن را با آشنایی با زمینه خانوادگی و اجتماعی او آغاز نمایم.

وی در جلفای اصفهان در سال ۱۳۲۸ در يك خانواده قومی ارمنی چشم به جهان گشود. اهالی جلفای اصفهان از اعقاب ارمنیانی بودند که حدود ۴ قرن پیش توسط شاه عباس صفوی از جلفای ارس به جلفای اصفهان کوچانده شده بودند. ارمنیان این خطه ضمن پایبندی به زبان و فرهنگ قومی خود، نقشی فعال در حیات سراسری ایران به ویژه در صنعت و تجارت ایفا نموده‌اند. شاید بتوان گفت که این سنت خدمت به ایران و دلبستگی به زبان مادری، میراثی بود که از اجداد دکتر لوکاس به وی رسیده بود.

فعالیت‌های فرهنگی وی در جامعه ارمنی مشخصاً پس از انقلاب اسلامی آغاز می‌شود. دکتر لوکاس معتقد بود نسل جوان برای داشتن جهان‌بینی درست، از يك سو باید به مبانی علوم و فنون احاطه داشته باشد و از سوی دیگر هویت خود را به درستی بشناسد. به این منظور، او با همکاری عده‌ای دیگر به برگزاری يك رشته سخنرانی‌ها در انجمن «فارغ‌التحصیلان ارمنه دانشگاه‌های ایران» اقدام نمود.

در این جلسات دانشگاهیان و متخصصین و از جمله خود ایشان در زمینه‌های مختلف از فیزیک و اختر شناسی تا حقوق و تاریخ و مکاتب فلسفی و هنری سخن می‌راندند.

دید علمی و نوین دکتر لوکاس در بررسی تاریخ و ادبیات ارمنی و نیز نظرات بدیع وی در این خصوص شایان توجه بود.

تصویری که از ایشان در آن سال‌ها در خاطره اطرافیان به جا مانده چهره‌ای است از کارو به

و اصفهان بازدید کرد و با مقامات علمی ایران دیدارهایی داشت. او در گفت‌وگو با هویس از علاقه‌مندی دانشمندان ایرانی به اطلاعاتی که در نوشته‌های مورخان ارمنی درباره تقویم ایرانی وجود دارد سخن گفت. او از اهمیت ویکتور هامبارتسومیان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ستاره شناسان سده بیستم سخن گفت و توضیح داد که این مرد بزرگ پیش‌تر عمر خود را به سادگی در محل رصدخانه بوراکان زیسته و به کار علمی خود را دنبال کرده است. بعد از مرگ هامبارتسومیان در سال ۱۹۹۶ خانه او به موزه بدل شد. پروتیان از سال ۲۰۰۰ مدیریت این موزه را به عهده دارد. او کارشناس تاریخ ستاره شناسی است و به دعوت بخش تاریخ علم دانشگاه تهران به ایران آمده بود.

## مراسم در کلیسای صلیب مقدس، بدون صلیب

سرانجام در روز ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) مراسم دینی در کلیسای صلیب مقدس (سورپ خاچ) برگزار شد، منتها بدون صلیب. همان طور که در شماره‌های قبلی هویس هم نوشتیم، دولت ترکیه موافقت کرده بود بعد از قریب يك قرن در این کلیسای تاریخی واقع در جزیره آختامار نزدیک شهر وان در غرب ترکیه امروز مراسم مذهبی برگزار شود. این تصمیم ابتدا از سوی کلیسای اجمیادزین ارمنستان به عنوان يك ژست دوستانه تلقی شد و اجمیادزین اعلام کرد که برای شرکت در این مراسم هیأتی به آختامار می‌فرستاد، اما بحث بر سر نصب صلیب برگنبد کلیسا و سرانجام نصب نشدن آن تا روز مراسم، باعث شد اجمیادزین اعلام انصراف کند. به هر رو مراسم با حضور ۶۷۰۰ بازدیدکننده که ۱۰۰۰ نفر از آن‌ها ارمنی بودند و با حضور اسقف ارمنه ترکیه انجام شد، اما با رونقی کمتر از آن چه انتظار می‌رفت.



روابط ما این بار سامان نیافت. پس از امضای سند معروف دو طرف (برای برقراری و پیشرفت روابط دیپلماتیک دوجانبه) ترک‌ها از تصویب آن در مجلس خودداری کردند. حالا منتظر زمانی هستیم که آن نیروی سیاسی یا رهبران سیاسی که آمادگی انجام چنین کاری را داشته باشند در ترکیه ظاهر شوند.

• آذربایجان نیز در روابط ارمنستان و ترکیه تأثیرگذار است. برای شکافتن این دایره بسته که اکنون ۱۶ سال است مانع از حل مسأله قره‌باغ شده چه راه‌هایی وجود دارد؟

به نظر من این دایره بسته نیست چرا که به هر حال مذاکرات ادامه دارد. البته به کندی پیش می‌رود، اما هر صلح شکننده بسیار بهتر از جنگ است. اگر مذاکراتی وجود دارد به این معناست که امکان رسیدن به نتیجه نهایی هم وجود دارد. موضع طرف ارمنی، یعنی ارمنستان و قره‌باغ کوهستانی بسیار روشن است و بر پایه قانون و حقوق بین‌المللی است. قره‌باغ در سال ۱۹۲۱ م. به تصمیم حزب کمونیست به آذربایجان ملحق شده است. مردم قره‌باغ کوهستانی هیچ‌گاه با این تصمیم موافقت نکرده‌اند. جنبش قره‌باغ در سال ۱۹۸۸ م. آغاز شد و پس از آن قره‌باغ کوهستانی با برگزاری رفراندوم به‌طور یک‌جانبه اعلام استقلال کرد. حتی اگر تا همین اواخر هم کسانی بودند که حق تعیین سرنوشت مردم را در تقابل با اصل مهم دیگر، یعنی اصل تمامیت ارضی می‌پنداشتند، پس از تأیید اعلام استقلال یک‌جانبه کوزوو از سوی دیوان لاهه و تأیید عدم تناقض آن با حقوق بین‌الملل، همه چیز با هم جور درآمد. از این رو در نشست عالی وزیران شورای امنیت و همکاری اروپا که در آلماتی برگزار شد صراحتاً اعلام شد که هر سه اصل (عدم به‌کارگیری نیروی نظامی و تهدید، تمامیت ارضی کشورها و حق تعیین سرنوشت مردم) که ما بر اساس آن‌ها مذاکرات را انجام می‌دهیم با هم برابر هستند. ما بسیار امیدواریم که سرانجام به یک راه حل عادلانه و نهایی خواهیم رسید. اگر ما از این نقطه حرکت می‌کردیم که راه حلی وجود ندارد، زندگی کردن برای ما، و در وهله نخست مردم قره‌باغ



برقرار کنیم، کاری اشتباه کرده‌ایم. اقدام من از سوی جامعه ما، مخصوصاً ارمنیانی که بیرون از مرزهای ارمنستان زندگی می‌کنند، به گونه‌های متفاوت پذیرفته شد. این قابل درک است. ملت ما احساساتی است، همه خانواده‌های ارمنی در آن سال‌ها زبان دیده‌اند. من احساسات کسانی را که گاه به خیابان‌ها می‌آمدند و در بسیاری مواقع با کلماتی ناخوشایند به سیاست آشتی با ترکیه اعتراض سر می‌دادند درک می‌کنم. اما خوشحالم که ملت ما سرانجام این ایده را درک کرد. به نظر من حالا افرادی اندک‌شمار فکر می‌کنند که ما اشتباه کرده‌ایم.

اقدام ما برخاسته از عقل سلیم بود و با منافع ملی ما هیچ تضادی نداشت. خواست ما برای ساماندهی روابط بدون پیش‌شرط با ترکیه به هیچ وجه به معنای انصراف از روند شناسایی نسل‌کشی ارمنیان در مجامع بین‌المللی یا عقب‌نشینی از مواضع ما نیست. برای آن که ترک‌ها نسل‌کشی را بپذیرند تقریباً همه راه‌ها تجربه شده است، البته جز راه قهرآمیز، و تلاش کردیم که فاجعه آن سال‌ها را به جامعه ترک توضیح دهیم. با آغاز این حرکت، در جامعه ترک نیز حرکت‌هایی آغاز شد که شاید برای بسیاری نامنتظره بود. در شهرهای بزرگ ترکیه جوانان بیرون می‌آمدند و از نسل‌کشی سخن می‌گفتند.

• شما مبتکر طرح بی‌سابقه ساماندهی روابط بدون پیش‌شرط با ترکیه هستید. لطفاً بگویید با توجه به انتقادات تندی که به‌ویژه از سوی دیاسپورا در انتظار شما بود، آیا چنین اقدامی برای شما دشوار نبود؟ شکستن مقاومت افکار عمومی چه اندازه دشوار بود؟

به‌راستی این یکی از دشوارترین گام‌های زندگی من بود، اما من این گام را آگاهانه برداشتم. درست است که ترک‌ها دست به نسل‌کشی زده‌اند. بله، آن‌ها مناطقی که برای ما اهمیت حیاتی داشت از ما غصب کرده‌اند. بله، آن‌ها پس از انجام این جرایم در طول صد سال گذشته آن را انکار کرده‌اند و می‌کنند. و شاید انکار جرم، خود جرمی بزرگ‌تر باشد. اما از سوی دیگر، در دنیای کنونی شاید حکومتی یافت نشود که در روابط متقابل با دیگر حکومت‌ها مسائل و مشکلات تاریخی و حل نشده با آن‌ها نداشته باشند. پاسخ متمدنانه به چنین دشواری‌هایی همانا همکاری گسترده بدون پیش‌کشیدن پیش‌شرط است.

برقراری روابط دیپلماتیک و گشودن مرزها نه تنها برای ارمنستان، بلکه برای ترکیه، گرجستان، آذربایجان و سراسر منطقه سودمند خواهد بود. پس به نظر من اگر چهره‌ای رنجور و زبان‌دیده به خود بگیریم و منتظر بمانیم تا خود ترک‌ها نسل‌کشی را بپذیرند و تنها پس از آن روابط را

کوهستانی، بسیار سخت می‌شد.

• تصمیم ارمنستان مینی بر تمدید قرارداد استقرار پایگاه نظامی روسیه در خاک خود از ۲۵ سال به ۴۹ سال به چه علت است؟

ببینید من این را با خشنودی تمام انجام داده‌ام. شاید بسیار شنیده باشید که هیچ حکومتی حتی نیرومندترین و بزرگ‌ترین آن‌ها، و مخصوصاً ارمنستان کوچک، نمی‌تواند امنیت خود را به تنهایی برقرار کند. ما با روس‌ها هم‌پیمان و همکار استراتژیک هستیم، نه تنها به‌طور دو جانبه، بلکه در چهارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی. ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که در معرض تهدیدها و خطرهای بسیار است. برخی کشورها در موارد خاصی حتی حق حیات ارمنیان بر قلمرو تاریخی خود را به دیده تردید می‌نگرند. پس با توجه به این دلایل احتمال درگیری‌های نظامی در منطقه ما بسیار است.

منافع روس‌ها در امکان پیشرفت نیروهای مسلح خود و برنامه‌ریزی بلندمدت منافع استراتژیک خود است. منافع ما در کمک و همیاری برای تأمین امنیت ماست. این عامل مهمی برای عدم بروز عملیات نظامی و جلوگیری از آن است و امکان خوبی است برای تسلیح ارتش ما با تجهیزات مدرن. لذا به نظر من تمدید قرارداد برخاسته از منافع ماست.

• به نظر اوکراینی‌ها عضویت در سازمان پیمان امنیت جمعی و همکاری فعال با ناتو چندان با هم سازگار نیست. ارمنستان چگونه موفق می‌شود آن‌ها را با هم سازگار کند؟

ما واقعا در این کار موفق هستیم. ما می‌توانیم از سویی با آمریکا، و از سوی دیگر با ایران، از سویی با روسیه و از سوی دیگر با گرجستان روابط خوبی داشته باشیم، زیرا ما سیاستی روشن در پیش گرفته‌ایم. ما نمی‌کوشیم که از اختلافات دیگر کشورها سود ببریم. بهترین چیز برای ما آن است که منافع روسیه و آمریکا با هم همخوانی پیدا می‌کنند. ناتو و سازمان پیمان امنیت جمعی مخالف هم نیستند. آن‌ها نظام‌های امنیتی متفاوتی هستند که حوزه منافع خود را دارند و به کشورها اجازه می‌دهند که از آن سود برند. درست نیست که همیشه در زندگی تنها سیاه و سفید را ببینیم. اگر چنین باشد بروز مسائل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اما هرگاه تنوع رنگ‌ها بیش تر باشد زندگی راحت تر خواهد بود.

• همکاری ارمنستان با ناتو چه سودی برای ارمنستان دارد؟

همکاری ما با ناتو بر پایه طرح همکاری فردی است. این به ما امکان می‌دهد که از تجربه انباشته شده در این پیمان استفاده کنیم، در عملیات نیروهای حافظ صلح شرکت کنیم (صلح‌بانان ارمنی اکنون در کوزوو و افغانستان خدمت می‌کنند). همکاری با ناتو به ما امکان می‌دهد که ارتش خود را مدرن سازیم، اصلاحات انجام دهیم، و در پی یافتن راه‌های درست و امروزی برای ساخت نظام امنیتی باشیم. این که من درباره پیمان ناتو چنین مثبت سخن می‌گویم به نشانه آن نیست که ارمنستان می‌خواهد عضو ناتو شود. اما اگر عضو سازمان پیمان امنیت جمعی باشیم و نتایج مثبت همکاری با ناتو را نبینیم، به آن معناست که

مانند دوران جنگ سرد فکر می‌کنیم.

• دوران کنونی تهدیدها و تشنج‌های خود را دارد. یکی از آن‌ها مربوط به ایران است. هم‌زمان با آن، کشور شما برای دنیای غرب و تمدن اروپا دروازه ورود به ایران است، نه تنها از نظر جغرافیایی بلکه از نظر اقتصادی و تماس‌های انسانی. امروزه دنیای غرب چه اندازه از این توانمندی استفاده می‌کند؟

ایران یکی از مهم‌ترین همسایگان است. در حال حاضر ارتباط ما با دنیای خارج تنها از راه گرجستان و ایران است. در آغاز سال‌های ۱۹۹۰م. که اوضاع گرجستان بسیار ناآرام بود اگر راه ایران وجود نمی‌داشت قیمت کالاها در بازار ارمنستان چهار پنج برابر گران تر می‌شد. غیر از آن، ایران از نظر منابع انرژی کشوری ثروتمند است. در ارمنستان چنین چیزی وجود ندارد و ما با کمال میل در این زمینه همکاری بسیار تنگاتنگ داریم. ایران نسبت به مسأله قره‌باغ موضعی بسیار متعادل دارد. شما می‌دانید که جمهوری آذربایجان می‌کوشد تا این مسأله را در میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی یک مناقشه دینی جلوه دهد. در این جا می‌توان این را به‌آسانی نفی کرد، زیرا ارمنستان با ایران روابطی بسیار عالی دارد. دلایل بسیار زیاد دیگر برای همکاری با تهران وجود دارد. امروزه همکاری ما عمدتاً در زمینه اقتصادی و انسانی است.

ترجمه: گارون سرکیسیان

به سراغ من اگر می‌آیید...  
... به این آدرس بیایید...

<http://farsi.hooy.com>

## روبرت صافاریان

است. در یکی دو سال اخیر همچنین شاهد رشد چشم‌گیر جهانگردان ایرانی در ارفنته‌تلنتن بودیم. ایران حضور ایرانی‌ها در ایام عید در خیابان‌های ایروان به قدری بود که نظر رسانه‌های جمعی ارمنستان را به خود جلب کرد و به بحث‌هایی درباره خوب و بد پدیده توریسم دامن زد. ارمنستان هم مانند هر کشوری در عین حال که از توریسم به سبب درآمد اقتصادی آن استقبال می‌کند، اما در عین حال نگران پیامدهای فرهنگی این پدیده هم هست. با توجه به این که ارمنستان کشوری کوچکی است با جمعیتی حدودی سه میلیون نفر، این نگرانی برای آن حادث‌تر از کشورهای بزرگ است. " و در پی آن گوشه‌ای از نوشته وبسایت ۱۶۸ ژام (۱۶۸ ساعت) را نقل کردیم:

افزایش سفر به ارمنستان از زاویه‌ای دیگر توجه روزنامه شرق را به خود جلب کرده است. این که چرا شهروندان ایرانی به جای این که پول خود را در ایران خرج کنند، آن را در کشورهایی مانند امارات، ترکیه و ارمنستان خرج می‌کنند. موضوع دو مقاله شرقی در صفحه اجتماعی روز پنجشنبه ۱۸ شهریور به طور خاص رشد دیدارهای گردشگران ایرانی از ارمنستان است، کشوری که به زعم نویسندگان مقاله‌ها جاذبه توریستی قابل توجهی ندارد. پیش از آن نیز در شماره روز ۳۰ مرداد شرقی، در صفحه اول روزنامه، جایی که می‌توان به حساب سرمقاله گذاشت، فرزانه روستایی در مقاله‌ای که موضوع اصلی‌اش ارمنستان نبود، به

توجه به این که ارمنستان کشوری کوچکی است با جمعیتی حدودی سه میلیون نفر، این نگرانی برای آن حادث‌تر از کشورهای بزرگ است. " و در پی آن گوشه‌ای از نوشته وبسایت ۱۶۸ ژام (۱۶۸ ساعت) را نقل کردیم:

"حتی اگر تنها درآمدهای حاصل از بازدیدهای جهانگردان ایرانی از ارمنستان را در ایام نوروز امسال حساب کنیم، به رقمی قابل توجه می‌رسیم. بنا بر آمار رسمی در طول یک ماه حدود پانزده هزار نفر توریست ایرانی داشته‌ایم. معاون امور گردشگری وزارت اقتصاد گفته است که بنابر مطالعاتی که در سال‌های ۷-۲۰۰۶ به عمل آمده است، هر گردشگر به طور متوسط در یک

حضور توریست‌های ایرانی در ارمنستان مخصوصاً در یک سال اخیر نظر مطبوعات ارمنستان و ایران را به خود جلب کرده است. در نوروز امسال حضور توریست‌های ایرانی در ایروان آن قدر چشمگیر بود که زبان فارسی در هر کوی و برزنی به گوش می‌رسید و روزنامه‌های ارمنستان هم در این باره به تفصیل نوشتند. ما هم در شماره ۷۵ هویس به این موضوع پرداختیم:

"معمولاً وقتی صحبت روابط ایران و ارمنستان می‌شود بیش‌تر تصویر رفت‌وآمد هیئت‌های دیپلماتیک و اقتصادی و جلسات مذاکرات رسمی و امضای تفاهمنامه‌های و قراردادهای به ذهن می‌آید و اظهارات سراسر حسن نیت مقامات دو کشور. این‌ها همه به جای خود خوب است و به گسترش روابط دوستانه و خوب بین دو کشور کمک می‌کند، اما اصل، روابط مستقیم بین مردم دو کشور است. حضور کسبه ایرانی در ایروان از نخستین سال‌های استقلال ارمنستان امری عادی است، در سال‌های اخیر تعداد دانشجویان ایرانی در ایروان افزایش چشم‌گیر داشته و تماس مستقیم این ایرانی‌ها با مردم ارمنستان به شناخت متقابل واقعی کمک کرده



طور گذری اعلام کرده بود که ارمنستان کشوری است که هیچ جاذبه توریستی ندارد و اظهار تعجب که چه طور ایرانی‌های به چنین کشوری سفر می‌کنند. هدف اصلی نوشته‌های روزنامه شرق آشکار انتقاد از سیاست‌گذاری‌هایی بود که باعث می‌شوند شهروندان ایرانی کشورهای خارجی را ترجیح دهند. از جمله سیاست ارزی پایین نگاه داشتن قیمت دلار که باعث می‌شود هزینه سفر به کشورهای دیگر مقرون به صرفه باشد.

به هر رو، اظهار نظرهای نویسندگان این مقالات درباره جاذبه توریستی اندک ارمنستان یا نبود هر گونه جاذبه توریستی در این کشور، خشم روزنامه آلیک را برانگیخت. طبیعی است اظهار نظرهایی شبیه این که ارمنستان هیچ جاذبه توریستی ندارد خلاف واقع هستند. از سوی دیگر معلوم است که اگر کشور کوچک ارمنستان را با هندوستان، چین، یا در آن سو مثلاً با ایتالیا و یونان مقایسه کنیم، از نظر جذابیت‌های گردشگری، رده بالایی نخواهد داشت، هر چند گفته باشند "موزه‌ای است زیر آسمان باز". و تازه همان ظرفیت‌های جذب توریست آن هم به نحو احسن مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد (نمونه‌هایی در مقاله‌های شرق ذکر شده است). نویسندگان شرق حق دارند نظر خود را درباره ظرفیت گردشگری اندک ارمنستان بنویسند، آلیک هم حق دارد با این نظرها مخالفت کند. تا این جای مسأله یک

بحث آزاد و جذاب است (هرچند نویسندگان شرق نمی‌توانند نوشته‌های آلیک را بخوانند). اما مشکل کار آن جاست که آلیک در سرمقاله روز شنبه ۳۰ مرداد خود (یعنی همان روزی که نوشته فرزانه روستایی در شرق چاپ شده بود) سخنان او را اشباهات عمدی می‌خواند و آن را اگر نه بی‌سوادی، دست کم محصول تمایلات ضد ارمنی محافل پان ترکیستی معین می‌داند. از آلیک باید پرسید آخرین چه منطقی است که اگر کسی، گیرم به نادرست و از روی بی‌سوادی یا نادانی، گفت که ارمنستان جذابیت توریستی ندارد، فوری به مسأله بعد سیاسی بدهیم و او را به پان ترکیسم منتسب کنیم؟ پایه‌های این استدلال آن اندازه چوبین است که خود آلیک هم در پاسخش به مقالات جدید شرق آن را تکرار نمی‌کند و در پایان مقاله خود از خوانندگانش می‌خواهد به شرق تلفن بزنند از هیأت تحریریه آن بخواهند که کمبودهای بخش توریسم ایران را بر سر شرکت‌هایی خراب نکنند که در بخش توریسم ارمنستان، کشوری که از دیرباز با ایران روابط دوستانه دارد، فعالیت مثمر ثمری را پیش می‌برند.

اما از آن سو، استدلال‌های نویسندگان شرق هم جالب است: به این جمله دقت کنید: "کمک بی‌وقفه ایرانیان به گردشگری ارمنستان". آیا چنین عنوانی را برای مثلاً ایتالیا می‌توانید تصور کنید؟ ایرانی‌ها به ارمنستان می‌روند و آن جا پول خرج

می‌کنند و این برای اقتصاد ارمنستان مفید است، اما کمک یا مساعده‌ای در کار نیست و در ازای پولی که خرج می‌کنند می‌خورند و می‌خواهند و خدمات دریافت می‌کنند.

دیگر این که که انگار نویسندگان شرق فراموش کرده‌اند که فلسفه توریسم این است که آدم‌ها به کشورهای دیگر بروند و با فرهنگ‌های دیگر آشنا شوند و این از نظر گسترش تساهل‌گفت‌وگویی بین ادیان و فرهنگ‌ها مفید است. به چه استدلالی آن‌ها می‌گویند بد است که ایرانی‌ها به جای سفر به شهرهای داخلی به کشورهای همسایه سفر می‌کنند؟ آیا تا به حال شبیه این استدلال را درباره کشورهای اروپایی یا آمریکا شنیده‌اید؟ آیا بازدید جهانگردی فقط به کشورهای کوچک همسایه بد است؟ این جاست که در لایه زیرین نوشته‌ها، نگاه از بالای بزرگ‌ملتی پیدا می‌شود که البته ارتباطی به پان ترکیسم ندارد و در روان‌شناسی جمعی ملت‌های بزرگ ریشه دارد.

اما مهم‌ترین حسن این بحث‌ها، به شرطی که در فضایی مستدل و منطقی جریان پیدا کنند، این است که فرصتی فراهم می‌آورد که دیدگاه‌های واقعی طرفین گفت‌وگو و نه صرفاً تعارف‌های دیپلماتیک و اظهار نظرهای آمیخته به حسن نیت مؤدبانه، امکان طراحی و بررسی پیدا کنند.

## یکی از نوشته‌های روزنامه شرق درباره رشد گردشگری به ارمنستان

### مریم بابایی

اساس گفته‌های وزیر بازرگانی میزان ارزی که بابت گردشگری در سال ۱۳۸۸ از کشور خارج شده است، بیست برابر بیش‌تر از ارزی است که مثلاً بابت واردات میوه مصرف شده است. بر اساس گفته غضنفری، تنها یک بیستم از هزینه‌ای که مردم صرف سفرهای خارجی خود می‌کنند برای واردات میوه هزینه شده است. تخمین‌ها در این زمینه نشان داده حجم خروج ارزی در سال گذشته که برای گردشگری مردم صرف شده ده میلیارد دلار است. این در حالی است که کشورهای اطراف ما از طریق اجرای سیاست‌های مناسب جذب گردشگر، سالانه میلیاردها دلار درآمد کسب می‌کنند. کم‌کاری اغلب مسؤولان در جهت فراهم کردن زمینه‌های جذب

فرهنگی و اجتماعی سیل عظیم گردشگران ایرانی که هر ماهه راهی کشورهای دیگر می‌شوند، در مقابل آمار ناچیز و نزولی گردشگران وارد شده به ایران زنگ خطری است برای مسؤولان در همه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، چرا که کشور ما با جاذبه‌های فرهنگی و گردشگری فراوان که جذابیت‌های گردشگری یک شهرش حتی از کل کشور ارمنستان بیش‌تر است، همچنان از درآمد صدها میلیارد دلاری صنعت تور و گردشگری بی‌بهره است و در مقابل تب رفتن به کشورهای هم‌چون ترکیه و جدیداً ارمنستان، در جامعه ما روز به روز زیاده‌تر می‌شود. تنها در بعد اقتصادی موضوع وقتی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بر

با نگاهی اجمالی به تبلیغات اکثر آژانس‌های مسافرتی خارج از کشور، افزایش بی‌سابقه تورهای زمینی و هوایی برای کشور ارمنستان کاملاً مشهود است. از آن‌جا که زیاد شدن عرضه، همیشه نشانه بالا رفتن تقاضا است، افزایش تعداد تورهای مسافرتی به ارمنستان هم نشان دهنده تمایل و اشتیاق مردم برای رفتن به این کشور است. درست مثل زمانی که عده زیادی متقاضی رفتن به کشورهای ترکیه و دویی بودند. نه این که رفتن به کشورهای دیگر و آن هم کشوری مثل ارمنستان که دارای تشابهات فرهنگی زیادی با ایران است، به خودی خود عیب و ایرادی داشته باشد، بلکه از آن نظر که تبعات اقتصادی،





بعد از ایام سوگواری تمایل برای مسافرت به این کشور به طور بی سابقه افزایش پیدا کند. این تمایل بی سابقه مردم برای رفتن به ارمنستان در حالی است که بسیاری از افراد از برخی بی احترامی های صورت گرفته با مسافران در لب مرز یا وضعیت نامناسب هتل های ارمنستان شکایت می کنند. رضاییان از برخورد نامناسب نیروهای نظامی در لب مرز که بیش تر روسی هستند می گوید و این که بعد از دوازده ساعت معطلی مجبور به پرداختن جریمه هزار دلاری شده است. او می گوید با این مشکلات و وضعیت نامناسب هتل ها دیگر اقدام به بردن تور دسته جمعی به ارمنستان نخواهد کرد. او مهم ترین دلیل تمایل مسافرت به ارمنستان را از يك طرف نزدیک بودن آن جا می داند، چرا که سفر زمینی حدود ۲۲ ساعت و سفر هوایی حدود يك ساعت و نیم طول می کشد، و از طرف دیگر هزینه پایین مسافرت به این کشور که برای اقشار کم درآمدتر جامعه که تمایل به بازدید از يك کشور خارجی دارند، مناسب است. البته این هزینه پایین در حالی است که به گفته او هتل پنج ستاره آن جا در حد هتل های سه ستاره کشورهای دیگر هم نیست. رضاییان معتقد است تمایل عمومی برای رفتن به ارمنستان که مراکز توریستی اندکی دارد، تا اندازه زیادی به شرایط موجود فرهنگی جامعه ما بر می گردد و در عوض فضایی که در ارمنستان فراهم است.

۱۱/۲ درصد رشد آمار گردشگران ارمنستان طبق آخرین آمارها تعداد گردشگرانی که در نیمه اول سال ۲۰۱۰ از ارمنستان بازدید کرده اند ۱۱/۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش پیدا کرده است. همچنین در سه ماهه اول سال ۲۰۱۰ گردشگری در ارمنستان ۹/۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. با احتساب این آمار ۹۲۹۵۵ گردشگر در سه ماه اول در برابر ۸۴۹۵۵ در سال گذشته ثبت شده است. همچنین تعداد شهروندان ارمنی که از خارج به داخل کشور سفر کرده اند، در مقایسه با سال گذشته ۷/۱ درصد افزایش داشته است. آمار رسمی نشان می دهد که نزدیک به ۵۷۵ هزار توریست در سال گذشته از ارمنستان بازدید کرده اند. آرا پطروسیان نماینده وزارت اقتصاد این کشور در اظهاراتی گفته است: «در بخش گردشگری حتی در جریان بحران اقتصادی، نسبت به سال گذشته خوب رشد کرده ایم چرا که ما در زمینه ایجاد انگیزه های جدید برای گردشگری در منطقه موفق شده ایم و افزایش شدید تعداد بازدید کنندگان ایرانی نمونه بسیار روشن و خوبی است». مسؤولان ارمنی همچنین اعلام کردند ۲۲ درصد از گردشگرانی که به ارمنستان

به معنای واقعی آن برای این سیل عظیم جمعیت که هر ماهه راهی ارمنستان می شود وجود دارد، چرا که جذابیت های توریستی ارمنستان که به طور عمده در يك شهر آن، ایروان یا به گفته خودشان ایروان تمرکز یافته، بسیار اندک است. در واقع جذابیت هایی که مسؤولان گردشگری ارمنستان با زیرکی و شناخت از علایق و سلیقه مردم ایران در کشورشان فراهم کرده اند، مهم ترین دلیل برای تبیین این تب فراگیر سفر به ارمنستان در کشور ماست. شواهد این تمایل بی سابقه برای رفتن به ارمنستان آماری است که آژانس های مسافرتی از افزایش تعداد متقاضیان برای ثبت نام در انواع تورهای زمینی و هوایی سفر به ارمنستان می دهند. به علاوه این که به دلیل باز بودن مرز ایران و ارمنستان و نزدیک بودن مسیر، عده زیادی از ایرانی ها با خودروهای شخصی عازم سفر به ارمنستان می شوند. پیام رضاییان یکی از مدیران آژانس های مسافرتی که تورهای زیادی را به ارمنستان برده است، افزایش بی سابقه متقاضی برای ارمنستان در ده، دوازده ماه گذشته را درست بعد از زمانی می داند که بردن تور به ارمنستان در ایام سوگواری منع شد. در ماه بهمن سال گذشته معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی اعلام کرد هر آژانسی که در ۲۲ تا ۲۶ بهمن مصادف با ایام سوگواری اقدام به بردن تور به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس یا کشورهای مشترک المنافع کند، مجوز آن لغو می شود. قرار گرفتن ارمنستان در لیست کشورهای ممنوعه ای مثل ترکیه و دویی سبب شد

توریست و گردشگر در حالی است که مسؤولان کشور ارمنستان چند سالی است به طور جدی تر در حال سرمایه گذاری برای صنعت توریست و بالا بردن آمار گردشگران نادر در ارمنستان هستند که طی سال های اخیر و با وجود بحران اقتصادی جهان، گردشگری در آن رشدی بی سابقه داشته است. این افزایش تا حدی بوده است که خود نخست وزیر ارمنستان در اظهاراتی گفته است هر چند گردشگری در سراسر جهان کاهش یافته، اما اطلاعات و آمار مربوط به ارمنستان نشان می دهد تعداد توریست ها در سال ۲۰۱۰ از ۶۲۰ هزار نفر نیز تجاوز خواهد کرد. اشتیاق روز افزون مردم ما برای رفتن به کشوری مثل ارمنستان تا حدی است که نخست وزیر ارمنستان مدعی شده بعد از گردشگران ژاپنی، گردشگران گرجستانی و ایرانی بیش تر از همه در ارمنستان هزینه می کنند؛ هزینه ای که چند برابر آن توسط گردشگران ایرانی در ترکیه انجام می شود طوری که تنها در اوایل سال ۲۰۱۰ میلادی، آمار گردشگران ایرانی به ترکیه تا حدی بود که مسؤولان این کشور را شگفت زده کرد. طبق گزارش مقامات رسمی ترکیه بیش از يك میلیون توریست ایرانی تنها در چهار ماه نخست سال ۲۰۱۰ به ترکیه سفر کردند. به گفته کارشناسان ترك، ایرانیان و توریست های ایرانی در ترکیه بیش تر با انگیزه درآمدی که به دلیل خرید انواع کالا و فروش آن در کشور خود عایدشان می شود به این کشور سفر می کنند. به نظر می رسد در مورد ارمنستان هم انگیزه های دیگر به غیر از گردشگری



سفر کرده‌اند از کشورهای اتحادیه اروپا و ۱۹/۷ درصد از کشورهای مشترک‌المنافع هستند. در میان گردشگرانی که از اتحادیه اروپا هستند، فرانسه با ۶/۸ درصد کل گردشگران در صدر قرار دارد، پس از آن آلمان‌ها با ۴/۹ درصد و در آخر انگلیس‌ها با ۲/۴ درصد. همچنین در میان گردشگرانی که از کشورهای مشترک‌المنافع هستند روس‌ها با ۸/۳ درصد در صدر قرار دارند. در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، تعداد گردشگران آمریکایی که در ماه ژانویه تا مارس به ارمنستان سفر کرده‌اند ۱۳/۵ درصد افزایش پیدا کرده است. این در حالی است که تعداد گردشگران متقاضی سفر به ترکیه ۱۲/۵ درصد افزایش داشته است. و اما ارمنستان در قفقاز جنوبی در میان دریای سیاه و دریای خزر است. همسایگان آن در غرب ترکیه، در شمال گرجستان، در شرق جمهوری آذربایجان و در جنوب ایران و ناحیه خودگردان نخجوان هستند. بزرگ‌ترین دریاچه این کشور سوان است که آب شیرین دارد و رویه نسبتاً بزرگی از بخش میانی این کشور را پوشانده است. یکی از مراکز دیدنی، غار موزروی است. از دیگر بناهای ارمنستان کلیسای زوارتر است که یکی از آثار مقدس قرون وسطی محسوب می‌شود. کلیسای اوشاکان، دریاچه جنگلی پارزلیچ، قلعه برادوان و آرامگاه نوراتوس از دیگر مراکز توریستی ارمنستان هستند که به عنوان مراکز توریستی شناخته می‌شوند و اکثر افرادی که به ارمنستان می‌روند از این مراکز دیدن می‌کنند.

منبع: روزنامه شرق، ۱۸ شهریور ۱۳۸۹



نه همه قالی‌ها، بلکه تنها یکی از آن‌ها توسط ۴۰۰ یتیم ارمنی از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۵ در شهری به نام غزیر، حدود چهل مایلی شمال بیروت بافته شده است.

این دیوارکوب رنگارنگ که اندازه‌اش ۱۸ فوت در ۱۲ فوت است، با نام‌گذاری‌اش کامل شد، چون از وقتی در ۱۹۲۶ در دستان رئیس‌جمهور کالوین کولیدج قرار گرفت تا کنون نامش «قالیچه یتیم» باقی ماند.

ریزه‌کاری‌های پیچیده آن که با شوری بی‌شبهت به دیگر نمونه‌ها بافته شده، شامل چهار میلیون گره است که برای تشخیص بخشیدن به باغ بهشت کتاب مقدس با مجموعه حیوانات و دیگر تصاویر سمبولیک آن بسته شده‌اند.

دار بافندگی برای بافتن یک قالی اصفهان بنا شد. چهارصد دختر یتیم به صورت شیفتی کار کردند و هجده ماه برای کامل کردن آن وقت صرف کردند. سپس قالی به واشنگتن فرستاده شد و طی مراسمی ویژه، برای قدردانی از کمک مردم امریکا به یتیمان ارمنی، به کاخ سفید اهدا شد.

تاریخ‌دان‌ها و مجموعه‌داران ارمنی به دنبال خانه‌ای جاودان برای او هستند، جایی که در دسترس توریست‌ها و دید عمومی باشد. آن‌ها بسیار علاقه دارند این قالیچه را در کاخ سفید در معرض نمایش دائمی ببینند با اعتباری که به بازماندگان نسل‌کشی داده می‌شود، یا دست کم در ویتروینی در موزه اسمیتسونیان یا شاید موزه نسل‌کشی.

گویا آن‌ها فکر می‌کنند ناهمگونی سیاسی مانع از این می‌شود که این قالی از حیات اشرافی خود لذت ببرد، چیزی که برای آن به وجود آمده.

دکتر اچ.مارتین درانیان تاریخ‌دان برجسته وُرکستر و دندان‌پزشکی که هر بند این گوهر ارزشمند را مستند کرده است با تأسف می‌گوید اگر بخواهی داستان این قالیچه را بیان کنی تماماً درباره نسل‌کشی حرف خواهی زد و این کشور نسل‌کشی ارمنی‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. این قالی قفل داستان یتیمان را خواهد گشود. من این





قالی یتیم ارمنی در سال ۱۹۸۴ در کاخ سفید توسط فعالینی برای حفظ هویت آن بازنگری شد: سناتور ایالات متحده کارل لوین، دکتر اچ. مارتین درانیان تاریخ‌دان وُرکستر، و ست مومجیان سفیر پیشین ملل متحد.

درانیان خود را به سفیری خودخواسته برای این قالی بدل کرده تا عدالت را جست‌وجو کند. او امیدوار است با گشودن این راز، برای مؤسسه خیریه خاور نزدیک و حقوق یتیمان نجات یافته در طول نسل‌کشی ۱۹۲۳ تا ۱۹۱۵ اعتباری بیش‌تر جلب کند.

او همچنان از دکتر جاکوب کوئزler، یا چنان که خودش او را می‌نامد پدر کوئزler مهربان، تجلیل می‌کند چون او زمانی که برای مؤسسه خیریه خاور نزدیک کار می‌کرد هزاران کودک یتیم را از ترکیه خارج کرد و به نیروی امنیتی در سوریه سپرد.

کوئزler ایده‌ای برای ساخت یک کارخانه فرش در غزیر داشت. او فکر کرد دختران یاد می‌گیرند فرش بیافند و از این راه می‌توانند زندگی خود را اداره کنند. به نظر او حتی با یک سرمایه‌گذاری کوچک، دستاوردهای خوبی می‌توانست برای این کودکان یتیم به دست آید. او تنها با دو دستگاه بافندگی، کارگاه را در غزیر در ارتفاعات کوهستان بنا کرد. رئیس‌جمهور کولیدج برای قالیچه بیش از این‌ها سپاس‌گزار بود. او در نامه‌ای به دکتر جان فیئلی، نایب رئیس مؤسسه خیریه خاور نزدیک نوشت که با این هدیه بسیار حیران و اندیشناک شده است.

"این قالیچه زیبا که بافته دست دختران لبنانی است به من رسید. این بیان قدردانی آن‌ها برای آنچه ما برای کمک به آن‌ها انجام داده‌ایم، از سوی من پذیرفته می‌شود، به عنوان نشانی از حسن نیت آنان به مردم ایالات متحده که به کار مؤسسه خیریه خاور نزدیک کمک رسانده‌اند. لطفاً تشکر من را به این کودکان برسانید و نیز تشکر شمار وسیعی از همشهری‌های سخاوتمند ما را که اهداء این دسترنج عشق به اطلاع‌شان خواهد رسید. این قالیچه جایگاهی افتخار آمیز در کاخ سفید خواهد داشت به طوری که سمبل هر روزه حسن نیت بر زمین خواهد بود."

در ایالات متحده، یک یک‌شنبه با «قانون طلایی» بنیان نهاده شده است. هر سال در اولین یک‌شنبه دسامبر از مردم خواسته می‌شود فقط یک وعده غذا بخورند و با پول پس‌انداز شده از این راه، با مؤسسه خیریه خاور نزدیک همکاری کنند. هر سال حدود ۲ میلیون پول جمع می‌شود.

اهداء قالیچه غزیر به کاخ سفید در ۱۹۲۵ چنان شهری گسترده یافت که پول به دست آمده از قانون طلایی یک‌شنبه دو برابر شد. کارگاه تعداد زیادی

سفارش مخصوص برای بافت قالی دریافت کرد و در نهایت بسیاری از دختران یتیم دارای خانه شدند یا ازدواج کردند.

این اتفاق در نیویورک تایمز پوشش داده شد و چنین تیرتی داشت: رئیس‌جمهور قالی بافته شده توسط دختران یتیم مؤسسه خیریه خاور نزدیک را دریافت کرد و کار برای آزادی را ستود.

کولیدج، قالی را در «اتاق آبی» به نمایش گذاشت، و تا ۱۹۲۸ که آن را به اقامت‌گاه خود در نورتمپتون برد، قالی همان جا بود.

قالی یتیم، تا زمان مرگش در سال ۱۹۳۳ زینت‌بخش اتاق نشیمن او در مکانی به نام Beeches بود. از آن به بعد خانم کولیدج قالی را در نورتمپتون در اتاق خود نگاه داشت تا وقتی در ۱۹۵۷ فوت کرد. و سرانجام پسرشان جان، آن را با خود داشت تا وقتی که خانه خود در کانکتیکات را در ۱۹۷۴ فروخت.

قالیچه در انبار خانه کولیدج در پلی پوت بود تا سال ۱۹۸۳ که به کاخ سفید برگردانده و به کلکسیون آن‌جا اضافه شد. آن‌جا نه در معرض عموم بلکه در انبار گذاشته شد، و طی ۲۷ سال گذشته آن‌جا ماندگار شد.

درانیان به کاخ سفید دعوت شد تا به همراه سناتور کارل لوین و اسید ست مومجیان سفیر پیشین ملل متحد آن را بازدید کنند.

درانیان گفت: "متصدی کلکسیون کاخ سفید گفته است بسیار بعید است که قالیچه به طور رسمی به نمایش گذاشته شود."

"لمس این قالیچه ارزشمند یک احساس عاطفی بسیار عمیق بود. این دختران با انگشتان چابک خود قدردانی خود را با هر گره به مردم امریکا یافته‌اند."

آن را قضا و قدر می‌نامیم، اما در سال ۱۹۹۵ شارلوت مؤسبنیان از نورت اندوور، یک عکس رنگی از هیلاری کلینتون در مجله Eagle Tribune مشاهده کرد که اتاق آبی را در طول دوره کاری شوهرش نشان می‌داد، و قالیچه آن‌جا بود؛ درخشان و برجسته مانند همیشه. او قالیچه را به جا آورد چون مادر خودش وارثی (هوسپیان) گولزیان از دختران یتیمی بود که در بافتن آن کمک کرده بودند. خانم گولزیان ۱۴ ساله بود و در سال ۱۹۲۶ برای کار نمایشی بافتن قالی در جشن صدوینجاه سالگی ایالات متحده از غزیر به امریکا آمد. دختر ۱۵ ساله دیگری به نام گولونیا کهیاتیان نیز با او همراه شده بود.

موسسبان نامه‌ای به کلینتون نوشت و درباره قالی پرس‌وجو کرد در حالی که انتظار پاسخی نداشت. یک ماه بعد نامه‌ای از متصدی کلکسیون کاخ سفید

دریافت کرد که همه خانواده‌اش را به واشنگتن دعوت کرده بود.

همراه با همسرش آلبرت. اس، برادرش مارتین و مادر، با قطار عازم این قرار ملاقات شدند. هیلاری کلینتون به استقبال آن‌ها نیامد بلکه متصدی و دستیارش به آن‌ها خوشامد گفتند. و قالیچه‌ای که خانم گولزیان به همراه دیگر دختران بافته بود آن‌جا بود. او قالی را شناخت.

آلبرت موسسبان که در مدارس محلی با گفتن داستان‌هایی درباره قالیچه در مورد نسل‌کشی اطلاع‌رسانی می‌کند گفت: "هجوم عاطفه بر من رو آورد، نه به خاطر زیبایی قالی بلکه به خاطر آن‌چه بازگو می‌کرد."

او اضافه می‌کند: "این حقیقت که مؤسسه خیریه خاور نزدیک برای کمک به کودکان یتیم زیادی از جمله مادر خانم من مسوولیت احساس می‌کند، شایسته بالاترین حد قدردانی ماست. من بر دست‌ها و زانو هام نشستم و همه قسمت‌های آن را لمس کردم. نوشته «سپاسگزاری از قانون طلایی» را در یک گوشه آن دیدم."

خانواده موسسبان آن روز ۹۰ دقیقه در کاخ سفید بودند، از قالی عکس گرفتند و وقتی رفتند، با خاطرات یک دوران زندگی سرشار بودند. نشانی از رئیس‌جمهور هم به هر حال ندیدند.

موسسبان می‌گوید: "افراد کمی معنای این قالی را می‌دانند. قصه آن در جامعه ارمنی راز سر به مهری بوده است چون این یتیمان درباره آن حرفی نمی‌زدند. بعد از آن که ما قالی را دیدیم دوباره به انباری که در آن بود برگشت. به هر حال آن‌جا رها شده است. امیدواریم آن را در یک مکان پر افتخار که به آن تعلق دارد دوباره زنده کنیم."

اگر چنین شود این قالیچه یادبودی از آن کودکان یتیم ارائه خواهد کرد که انگشتان غمزده‌شان یک یادگار ماندگار از عمق تیره‌ترین روزگار ارمنی‌ها را بر تار و پودهای آن می‌بافت.

اگر تنها می‌توانست حرف بزند، حاصلش کتاب‌ها می‌شد.

ترجمه: نسیم نجفی



## آندرانیک هوویان

و دویدن ترتیب داده می‌شد. شعرا سروده‌های خود را می‌خواندند. نوازندگان آهنگ‌هایی که ساخته بودند می‌نواختند، پهلوانان نیروی بازوان خود را به نمایش می‌گذاشتند و برخی از دلاوران نیز با حیوانات وحشی نبرد می‌کردند. تقی‌زاده عقیده داشت که ارمنیان جشن ناواسارد را جشن «یحیی تعمید دهنده» در آورده‌اند و می‌نویسد: در مورد اصل ایرانی بودن جشن‌های ارمنی، تقریباً می‌توان گفت این امر در جشن اول نوسرد با جشن ارمنی (که علی‌رغم ظاهر ارمنی به احتمال قوی با اورامزدا ارمنی یا اهورامزدا ایرانی اختلافی ندارد) که به صورت جشن یحیی تعمید دهنده در آید و نیز در جشن ۱۵ نوسرد یا جشن آناهید و نیز شاید در جشن هفت یا جشن (دالود محتملاً صورت دیگری از واهگان) که معتقدند همان ایرانی قطعیت دارد.<sup>۴</sup>



ارمنیان در جشن ناواسارد از انواع نقاب‌ها استفاده می‌کردند و به اعتقاد برخی، نقاب فراری دهنده ارواح خبیثه بود.

درگاه‌شمار ارمنیان، روز یازدهم آگوست (دهه دوم مرداد ماه) روز برگزاری جشن ناواسارد است. ارمنیان هم اکنون نیز در کشورهای مختلف اقامت دارند، جشن ناواسارد را برگزار می‌کنند. در این جشن تیم‌های ورزشی ارمنیان در یکی از کشورها گرد می‌آیند و با یکدیگر به رقابت می‌پردازند، برندگان مسابقات فاتحان ناواسارد می‌باشند.

در جمهوری ارمنستان در سال‌های اخیر مسابقات ورزشی ناواسارد در روز یازدهم ماه آگوست در منطقه «دزور» ترتیب داده می‌شود.

خوارزمی نوسارچ (که همه آن‌ها از نخستین روز آن گرفته‌اند) بوده است. این روز از همه روزهای سال در نزد ایرانیان بزرگ‌تر و واقعا مطابق با روز اول سال اصلی ایرانیان بود. پس از آن‌که نخستین کیبسه در سال ایرانی گرفت، و در نتیجه آغاز سال پنج روز به عقب رفت. این نوروز واقعی ششمین روز سال شد. ولی ایرانیان باز هم تشریفات این روز را با عنوان نوروز دوم (نوروز بزرگ) مراعات می‌کردند و این روز پیوسته محل نوروز اصلی را نشان می‌داد. نوسرد جشن نوروز در ایران باستان در تابستان برگزار می‌شد. یک سال ایرانیان ۳۶۵ روز تمام و ۶ ساعت کمتر از سال حقیقی بود. از این رو برگزاری جشن نوروز هر چهار سال یک روز به عقب رفت. پس از آن که نوروز به اعتدال ربیعی رسید، عید نوروز را در آن روز تثبیت کردند و محل برگزاری عید نوروز، پس از اعتدال ربیعی تعیین شد.

در ارمنستان باستان اولین ماه سال ناواسارد نام داشت. آنان در نخستین روز ماه ناواسارد جشن باشکوهی می‌گرفتند که تمامی طبقات در آن شرکت می‌کردند.

سغدی‌ها و خوارزمی‌ها همچون ایرانیان در این جشن آب نمی‌افشانند. در جشن ناواسارد مسابقات ورزشی مانند اسب دوانی، ارابه‌رانی،

یکی از کهن‌ترین جشن‌های مشترک اقوام آریایی، جشن ناواسارد است. ایرانیان به آن نوسرد، هندی‌ها ناواسارد، خوارزمی‌ها نوسارچ یا ناواسارچی، سغدی‌ها نوسرد، وارتیان ناواسارد می‌گویند، که جشن سال نواست و یکی از مراسم آن آب افشاندن است.

این جشن کهن اینک به فراموشی سپرده شده است، نوسرد جشنی بود متمایز از نوروز<sup>۱</sup>. ابوریحان بیرونی درباره جشن نوسرد سغد می‌نویسد: سندیان نیز ماه‌های خود را مطابق چهار قسمت سال تقسیم کرده بودند؛ اول نوسرد از ماه‌های سغدی، اول تابستان بود. روز اول نوسرد، نوروز سغدیان است، که نوروز بزرگ می‌باشد.<sup>۲</sup> وی درباره نوسرد اهل خوارزم می‌نویسد:

«ناواسارچی» روز اول آن عید آغاز سال است. و آن روز جدیدی است.<sup>۳</sup> روز ششم فروردین ماه را ایرانیان به نام نوروز بزرگ جشن می‌گرفتند و آن، یکی از بزرگ‌ترین اعیاد ایرانیان بود. تقی‌زاده درباره جشن نوسرد می‌نویسد: نوسرد نام روز اول سال ایرانی یا نوروز معروف از روز اول ماه فروردین «نوروز کوچک» نبود، بلکه نام نوروز بزرگ بوده است که جشن آن روز ششم فروردین می‌گرفتند، و مطابق با نخستین روز ارمنی ناواسارد و ماه سغدی نوسرد و ماه

مأخذ

۱- تقی‌زاده حسن، بیست مقاله، ۱۳۴۶ چاپ دوم ص ۳۲۴

۲- ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه با قلم اکبر داناسرشت

۳۰۹ ص ۱۳۵۲

۳- همان ص ۳۴۷

۴- تقی‌زاده حسن، بیست مقاله ص ۳۴۷



است: نویسنده: حمید رضا آذرنگ - کارگردان: مسعود خواجه‌وند و مهدی عباسی - بازیگران: مسعود خواجه‌وند، مرتضی رحمانی، فرشید میرزا سلطانی و مهدی عباسی - آهنگ‌ساز: مسعود سخاوت دوست - نوازندگان: مسعود سخاوت دوست و حسام ناصری - طراح صحنه و لباس: مسعود خواجه‌وند - گریم: هادی برجی، میثم ملازینل - مدیر صحنه: وحید محمد بیگی - منشی صحنه: اعظم عرفانی - مدیر اجرایی: مهدی عباسی - مدیر تولید: مهدی نصیری.

پیامدهای آن و برقراری صلح در میان ملت‌هاست باعث شد تا این اثر نمایشی با حمایت و دعوت رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در کشور ارمنستان به روی صحنه رود.

نمایش دو متر در دو متر جنگ در روزهای ۸ و ۹ سپتامبر ۲۰۱۰ (۱۸ و ۱۹ شهریور ۱۳۸۹) در سالن تئاتر «پاپت» میهمان تماشاگران ایرانی و ارمنی بود که علی‌رغم فضای کوچک سالن اجرای موفق‌تری را در پی داشت.

عوامل اجرایی این نمایش که محصول بنیاد شهید و امور ایثارگران و انجمن نمایش شهر قزوین



نمایش دو متر در دو متر جنگ به نویسندگی: حمید رضا آذرنگ و کارگردانی: مسعود خواجه‌وند و مهدی عباسی در شهر ایروان به روی صحنه رفت. این نمایش که تولید گروه نمایشی پلک می باشد برای اولین بار در شهر قزوین به روی صحنه رفت و در اجرای عمومی خود با استقبال چشمگیر تماشاگران روبرو شد.

این اثر در همان سال در جشنواره سراسری تئاتر شاهد شرکت کرد و موفق شد جوایزی را در بخش‌های: بازیگری اول، بازیگری دوم، طراحی صحنه دوم، بهترین موسیقی و کارگردانی اول را کسب کند و به عنوان اثر برگزیده به بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر راه پیدا کرد.

این نمایش در سال ۱۳۸۸ در جشنواره تئاتر استان قزوین نیز شرکت کرد و موفق به کسب جوایزی در رشته‌های کارگردانی، بازیگری و موسیقی شد و به عنوان اثر برگزیده به جشنواره منطقه‌ای کشور راه پیدا کرد و در آنجا نیز با حضوری درخشان جوایزی را در بخش‌های مختلف از آن خود کرد.

موفقیت‌های این نمایش در فستیوال‌های داخلی و موضوع آن که نفی خشونت جنگ و